



گفت و گو با سارق حرفه‌ای خودرو

## تعديل نيرو مرا دزد كرد

ویدئو خبری دیپلم فنی در رشته تپش

سارقی است که امروز دستبند به دست منتظر است به جرایم رسیدگی شود. اولین بار است دستگیر شده و می‌گوید در یک شرکت ساختمانی کار می‌کند. این هفته رودروی این متهم نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

خودت را معرفی کن.

اکبر هستم و ۵۴ سال دارم.

چرا دستگیر شدی؟

به جرم سرقت. اولین بار است که دستگیر می‌شوم و فقط دو ماه خلاف کردم.

بیکار بودی؟

خیر. من دیپلم فنی ساختمان دارم و دست به‌آچار هستم. در یک شرکت ساختمانی معروف کار می‌کنم. فقط چون شرکت هر شش ماه تسویه حساب می‌کرد، من

کم‌آوردم و وسوسه شدم سرقت کنم. تعديل نيرو کردند و زندگی‌ام زیر و رو شد.

متاهلی؟

همسرم فوت کرد. دو دختر دارم که پزشکند و سر خانه و زندگی خودشان.

با همدست چگونه آشنا شدی؟

وقتی مجرد می‌شوی، پای زن و دوستان ناباب به خانه‌ات باز می‌شود. با آرش از طریق یک زن خیابانی آشنا شدم. با هم مواد مخدر مصرف می‌کردیم.

اعتیاد داری؟

۱۶ سال معتاد بودم. ترک کردم و ۱۴ سال و سه ماه پاک بودم. بعد از فوت همسرم از فروردین دوباره به سمت اعتیاد رفتم.

چه مخدری مصرف می‌کردی؟

قبل از پاکی تریاک و شیره بود. این بار با تریاک شروع کردم و سه ماه آخر فقط شیشه می‌کشیدم. آن زن شیشه را در دامن من گذاشت.

خانواده‌ات می‌دانند دستگیر شدی؟

نگذاشتم کسی بفهمد. اصلاً رویم نمی‌شود بگویم بعد از این همه سال دزد شدم. یک دخترم کاناداست.

حالا چه چیز سرقت می‌کردی؟

خودرو.

چه شد سراغ سرقت خودرو رفتی؟

همدستم وقتی وضعیت من را دید، گفت که بیا سرقت کنیم. چون دست‌فرمانم در رانندگی خوب بود به من پیشنهاد سرقت خودرو داد.

می‌دانستی آرش سارق سابقه‌دار است؟

نه. نمی‌دانستم او دزد است. فکر می‌کردم شغلش شوتی است. بعد که به من اطمینان پیدا کرد، گفت دزد است و پیشنهاد داد همدستش شوم.

چرا قبول کردی؟

برای دخترم در کانادا باید پول می‌فرستادم. من خرجم به دلار بود و دلم ریال. تمام زندگی‌ام به‌هم‌ریخته بود و به‌خاطر همین

قبول کردم سارق خودرو شوم.

هر خودرویی را سرقت می‌کردید؟

خیر. مالخر به همدستم سفارش می‌داد و ما طبق خواسته او همان مدل و رنگ خودرو را سرقت می‌کردیم.

چه تعداد سرقت انجام دادید؟

خیلی زیاد. حسابش از دست‌مان در رفته است. بیشتر از ۲۵ خودرو بود.

در کدام مناطق بیشتر سرقت می‌کردید؟

شمال شهر. چون بقیه مناطق را خیلی بلد نبودیم و راه فرارش را نمی‌دانستیم.

با چند مالخر کار می‌کردید؟

مالخرها آدم‌های زنگ و قالتاکی هستند. همیشه واسطه آنها برای خرید خودروی سرقتی می‌آمد. من فقط یک مالخر را دیدم.

از هر سرقت چقدر گیر تو می‌آمد؟

بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان.

کجا دستگیر شدید؟

کنار خیابان در خودروی سرقتی مشغول مصرف مواد بودیم که گشت رسید و مشکوک شد. من گرفتار شدم و آرش فرار کرد و خودش را از بالای پل به پایین انداخت که زخمی شد و با آن حال فرار کرد. اما در ادامه دستگیر شد.

حالا چه می‌شود؟

من که مشکل مالی‌ام حل شده بود حالا باید تاوان خسارت به مردم را بدهم. آهی در بساط ندارم و به‌خاطر ندانم‌کاری و تاوان رفاقت با آرش باید چند میلیارد پس بدهم.

به عنوان یک دزد تازه‌کار چه پیشنهادی داری

تا خودرو سرقت نشود؟

اولین قدم نصب دزدگیر تصویری است. بعد خودرو حتماً سوئیچ مخفی و جی‌پی‌اس داشته باشد. دوربین ثبت وقایع هم موثر است، چون چهره سارق را می‌گیرد و اگر دزد دوربین را ببیند، سراغ خودرو نمی‌رود. قفل فرمان و قفل پدال فقط وقت‌گیر است و محافظ خوبی برای خودرو در برابر سرقت نیست. اگر کلید یک قفل فرمان داشته باشید معمولاً با چند بار بالاوپایین کردن داخل هر قفل‌فرمانی، می‌توانید آن را باز کنید. بهتر است دزدگیر خودرو را به بوق وصل کنید که در پیشگیری از سرقت بسیار موثر است.

## قربانی توطئه‌ای دخترانه شدم!

ناگهان تغییر می‌کرد. چند روز تلفن جواب نمی‌داد. بی‌دلیل گریه می‌کرد. این رفتار باعث شد از او خسته شوم. چند بار خواستم به رابطه‌مان پایان دهم اما تهدید به خودکشی کرد. در این میان با دختر دیگری آشنا و با او دوست شدم. یک روز شیلا متوجه این رابطه شد و تهدید کرد روزگرم را سیاه می‌کند. تهدیدش را جدی نگرفتم تا این‌که چند روز بعد در محل کارم دستگیر شدم و فهمیدم به اتهام تجاوز به عنف و تهیه فیلم سیاه از من شکایت کرده تا انتقام بگیرد. به اینجای صحبت‌هایش که رسید، منشی دادگاه نام او و شیلا را صدا زد و وارد شعبه شدند.

سیگارش را روشن کند، بسته سیگار را جلوی چشمم و تعارف کردم. او هم یک نخ برداشت و با فندک خودش روشن کرد. هیچ حرفی نمی‌زد و من سر صحبت را باز کردم و گفتم در این مدت او را زیر نظر دارم و می‌دانم هر روز به اینجا می‌آید و .... بعد از چند دقیقه سکوت سنگین‌اش شکست و از زندگی‌اش گفت. از پدر و مادرش که خیلی وقت است جدا شده‌اند. از نامادری بداخلاقی که برای فرار از غم‌های او به پارک می‌آید و ... کم‌کم رابطه ما جدی شد و به او قول ازدواج و رهایی از این وضعیت را دادم. پس از چند ماه متوجه مشکلات روحی او شدم. اخلاقی

۱۸ سال دارد و با اتهام سنگین تجاوز به عنف مواجه است و در صورت اثبات ادعای دختر نوجوان با مجازات اعدام روبه‌رو خواهد شد. دستبند به دست مقابل در دادگاه منتظر است تا منشی صدایش کند و داخل برود. آن سوی راهرو هم شاکی همراه پدر و مادرش ایستاده و حرکات پسر جوان را زیر نظر دارد. می‌گوید بی‌گناه است و قربانی یک توطئه دخترانه شده است! ادامه می‌دهد: یک سال قبل در پارک با شیلا آشنا شدم. اغلب روزها می‌دیدم که به پارک می‌آید و یک گوشه می‌نشیند و سیگار می‌کشد و بعد از ساعتی می‌رود. یک روز کنارش نشستیم و قبل از این‌که